

# بررسی مواضع روسیه در قبال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سال ۸۴ تا ۹۴ با تأکید بر پرونده هسته‌ای ایران

بیروز هاشم پور \*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷

## چکیده

بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن فروپاشی شوروی سوسیالیستی، علی‌رغم تغییر موقتی مواضع و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران، باز هم روسیه جایگاه خود را حفظ نمود. و بدنبال آغاز مناقشه هسته‌ای ایران و مخالفت دول غربی و آمریکا با گسترش آن، روسیه بعنوان عضوی از شورای امنیت مواضع گوناگونی از خود به نمایش گذاشته است. با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و شیوه تحقیق کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این سوال اصلی هستیم که مواضع و دیدگاه‌های سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران از ابتدا تا اختتام چه بوده است؟ و در پاسخ باید گفت روسیه با نگاه ابزاری و منفعت‌محور در سیاست خارجی اش نسبت به ایران سیاست عمل‌گرایی مبتنی بر فرصت‌طلبی راهبردی موضع خاکستری در قبال پرونده هسته‌ای همگامی با غرب و رای مثبت به قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت مخالفت شدید با پیوستن ایران به کشورهای عضو کلوپ هسته‌ای و تهدید علیه مسلمانان آسیای مرکزی استفاده از کارت ایران جهت بازی و گرفتن امتیاز از غرب در قبال بحران اوکراین و تحریم‌های صادره علیه روسیه و مطرح نمودن خود بعنوان بازیگر مهم و تصمیم‌گیر در خاورمیانه طولانی کردن پرونده هسته‌ای و فروش تسلیحات نظامی خود به ایران در واقع بهترین استفاده را از این قضیه برده است.

**کلیدواژه‌گان:** ایران، پرونده هسته‌ای ایران، روسیه، سیاست خارجی.

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

رایانامه: Pirouz.hashempour@yahoo.com

روابط ایران و روسیه طی سده های متوالی فراز و فرودهای فراوانی به خود دیده است. ایران بدلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود، همواره جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی روسیه داشته است. روسها جهت دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند، برای ایران نقش ویژه ای قائل بوده و نسبت به خاک ایران با چشم طمع می نگرستند. از این رو احساس تهدید و ناامنی ایران از سوی روسیه تزاری طی قرن های متمادی مشخصه اصلی روابط بین دو کشور بوده است. در واقع روسیه بزرگترین واقعیت ژئوپلیتیک حیاتی برای ایران محسوب می شود. و از مدت ها قبل ایران همواره با تهدید تاریخی روس ها از شمال مواجه بوده است و در حقیقت هیچ کشوری به اندازه روسیه تزاری در گذشته قلمروهای ایران را برای همیشه به اشغال خود در نیاورده است. ایران برای اولین بار هنگامی طعم قدرت روسیه را چشید که پطر کبیر به فکر گسترش اقتدار روسیه به سمت دریای سیاه و قفقاز افتاد. از آن زمان به بعد گسترش نفوذ روسیه تزاری در ایران بصورت نمودار صعودی درآمد و تسلط بر سیاست داخلی و خارجی ایران افزایش یافت. (رضازاده، ۱۳۸۴: ۶۱).

در زمان اتحاد شوروی نیز با حمایت از جریان های جدایی طلب و قومی، حاکمیت ملی ایران را با تهدید روبرو ساختند. حق ایران در تمام زمینه ها در دریای خزر تزییع کردند. در دوران جنگهای ایران و روس، با قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای بخشهای وسیعی از ایران را جدا کردند و در پیمان ۱۹۰۷ این کشور به همراه استعمار پیر انگلستان، ایران را بین خود تقسیم کردند. در جریان نهضت های آزادیبخشی چون انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن نفت، نهضت جنگل، به نفع استبداد وارد عمل شده و هیچ کمکی به این جنبش ها نکردند و آنها را در مواردی قربانی مصالح خود کردند. در دو جنگ جهانی اول و دوم نیز اقدام به اشغال ایران کرده و حاکمیت ملی کشور را نقض نمودند و با توجه به اینکه ایران پل پیروزی برای روسها بود، باز آنها خاک ایران را تخلیه نکرده و با تحریک و حمایت و پشتیبانی از احساسات مردمی، دو غائله آذربایجان و کردستان شکل گرفت. (امیراحمدیان، گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

معادله قدرت را می توان بعنوان بخشی از واقعیت های تحلیلی سیاست راهبردی ایران و روسیه دانست. بر اساس چنین نگرشی، رویکرد ایران به روسیه



تابعی از معادله قدرت در سیاست جهانی خواهد بود. سازوکارهای موازنه گرا رد همکاری های راهبردی ایران و روسیه بر اساس انگاره های مختلفی شکل می گیرد. بر اساس این انگاره ها هرگاه دولت ایران قدرتمند بوده است، با هر ماهیتی و حکومتی روس ها روابط خوبی با آن داشته اند. همچنین هرگاه دولتی ضعیف بوده، روسیه تردیدی در بهره برداری از وضعیت داخلی ایران به خود راه نداده اند. از سوی دیگر هر وقت دولت روسیه ضعیف بوده، بیشتر متمایل به همکاری با ایران بوده است و در زمانی که منافع روسیه اقتضا کرده است آنها در سازش با غرب به زیان ایران تردیدی به خود راه نداده اند. (سجادپور، ۱۳۷۴: ۳۲).

اما در بحث موضع روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران باید اشاره داشت که رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته ای ایران عمدتاً تابعی از روابط این کشور با غرب بویژه آمریکا بوده و منافع غرب در تمامی معادلات سیاسی و اقتصادی و غیره همواره مدنظر سیاستگذاران کرملین قرار داشته است، اما در موارد مهم تر منافع روسیه هر طور ایجاب نموده است، به آن سمت متمایل شده است. چون در سیاست خارجی کشورها معمولاً تداوم و تغییر امری طبیعی جلوه می نماید و در شرایط خاص دگرگونی های خاص باعث تغییرات عمده در این روند می شود. (کولائی، ۱۳۸۳: ۱۳۰). و بطور کلی دلایل و مواضع روسیه در مورد پرونده هسته ای ایران از ابتدا تا توافقی که بین کشورهای ۱+۵ و ایران منعقد شد متأثر از این موارد می باشد: روسیه با نگاه ابزاری و منفعت محور در سیاست خارجی اش نسبت به ایران، سیاست عمل گرایی مبتنی بر فرصت طلبی راهبردی، موضع خاکستری در قبال پرونده هسته ای، همگامی با غرب و رای مثبت به قطعنامه های شش گانه شورای امنیت، مخالفت شدید با پیوستن ایران به کشورهای عضو کلوپ هسته ای و تهدید علیه مسلمانان آسیای مرکزی استفاده از کارت ایران جهت بازی و گرفتن امتیاز از غرب در قبال بحران اوکراین و تحریم های صادره علیه روسیه و مطرح نمودن خود بعنوان بازیگر مهم و تصمیم گیر در خاورمیانه طولانی کردن پرونده هسته ای و فروش تسلیحات نظامی خود.

### چارچوب نظری

در ارتباط با تحلیل روابط ایران و روسیه از منظر یکی از رهیافتهای اصلی

روابط بین الملل کاری روشن و مفید خواهد بود. ما در این پژوهش برای دستیابی به نتایج علمی تر در بحث منافع ملی و امنیت ملی رویکرد نوواقع گرایی<sup>۱</sup> را مورد بررسی قرار خواهیم داد. از نظریه پردازان نوواقع گرایی، کنت والتز<sup>۲</sup> می باشد که به بررسی روابط ایران و روسیه در این قالب پرداخته اند. والتز در مقاله ای در سال ۲۰۰۰، همچنان با تاکید بر مفهوم سنتی موازنه، روسیه و چین را بعنوان قدرتهایی که در مسیر حرکت نظام تک قطبی به چندقطبی یکی از وزنه های مقابل آمریکا هستند، مورد توجه قرار می دهند. فرض او این است که رفتارهای یکجانبه گرایانه آمریکا، کشورهای مثل روسیه، چین و ایران را بسمت همکاری با یکدیگر سوق می دهد. (جعفری، تقی نژاد، ۱۳۹۱: ۵۹).

والتز سه مولفه کلیدی را برای ساختار سیستم بین الملل در نظر می گیرد:

۱. میان واحدهای سیستم سیاسی بین المللی (دولت ها) نوعی نظم آنارشیک جریان دارد.

۲. واحدها با وجود ویژگی ها و توانمندی های متفاوتی که دارند در خصوص پذیرش اصل بقای خودیارانه در عرصه بین الملل مشابه هستند.

۳. با وجود تشابه کارکردی خودیارانه واحدها برای انجام دادن کارکردهای خود توانمندی های همسانی ندارند و برخی قدرتمندتر از دیگران هستند. (Waltz, 1979: 88).

در سیستم بین الملل عامل تمایز میان واحدها توزیع توانمندیهای آنهاست. و با تغییر در آن ثبات ساختار به هم می خورد و نظم ساختاری دیگری شکل می گیرد. اصل آنارشی و اصل تشابه کارکرد خودیارانه واحدها چه در دوره جنگ سرد و چه پس از آن وجود داشته است، ولی توزیع توانمندی تغییر کرده و سیستم متحول شده است. بر همین اساس تعریف والتز از سیستم ارتباط تنگاتنگی با تعریف او از ساختارهای سیستم و نقش تعیین کننده این ساختارها بر اجزا و واحدهای این سیستم دارد. در سیستم بین الملل، قدرت بی چون و چرا دفع خواهد شد و دیگران را به سمت برقرار ساختن توازن سوق می دهد. (Waltz, 2000: 28). بر اساس منطق نوواقع گرایی اگر کشوری می خواهد پیروز و موفق باشد، چاره ای جز قرار دادن



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

1. Neorealism  
2. Kenneth Waltz

کسب قدرت در صدر اهداف فوری و ضروری خود ندارد. تعامل مثبت و همکاری دسته جمعی و چندجانبه گرایانه در دیپلماسی نوین، تلاش برای توضیح و سازش دادن هرچه بیشتر دیدگاهها و مواضع متفاوت و تصمیم گیری از طریق اجماع برای حل معضلات و مشکلات پیش آمده و کسب نتایج مطلوب برای طرفهای مذاکره است. در اینجا هدف بطور عمده شناسایی حوزه های منافع و تضاد است و تمرکز بر منافع مشترک و تلاش برای دوری جستن از تهدیدها و تضادهای مشترک شانس رسیدن به توافقات تدریجی و نسبی بمنظور حفظ منافع و کاهش تهدیدات مشترک را در پی دارد. (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۴۴). در این مقاله با استفاده از چارچوب تحلیلی نوواقع گرایی، ذکر این نکته ضروری است که حرکت روسیه بسمت جهان چندقطبی بمنظور دریافت سهم بیشتر از مدیریت بحران های موجود در مناطق حیاتی از جمله خارج نزدیک و دیگر متحدان این کشور در قاره آسیا و از جمله خاورمیانه، مستلزم تعامل با قدرتهای ساختار ساز و رویه ساز جهانی است تا در پناه آن ضمن رسیدن به وضعیت تعادل استراتژیک مطلوب با افزایش مقدرات سیاست خارجی از تنگناهای استراتژیک برآمده از ساختار نظام بین الملل در قالب فرآیند موازنه سازی با غرب بطور نسبی خارج شود. (پوراحمدی، خوشکار، ۱۳۹۱: ۴۴).

بر اساس سند مفهوم سیاست خارجی روسیه که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، تدبیر سیاست خارجی، امنیت ملی و رهنامه روسیه، در بردارنده اصول کلان سیاست خارجی این کشور است که اهداف کوتاه مدت، بلندمدت، و اولویت هایش در ترسیم چهره کنونی و مطلوب نظام جهانی را در بر میگیرد. در این سند اولویت های منطقه ای سیاست خارجی روسیه به ترتیب اهمیت چنین بیان شده اند:

۱. تلاش های دو یا چندجانبه برای همگرایی کشورهای مستقل مشترک المنافع در جهت امنیت ملی روسیه.

۲. روابط با دولتهای اروپایی.

۳. آمادگی روسیه برای تقویت روابط با آمریکا و حل مشکلات موجود بر سر راه آن.

۴. تاکید بر اهمیت کشورهای آسیایی خاورمیانه، آفریقایی و امریکای لاتین.

(foreign policy, 2003).

اما در جدیدترین سند اصول کلان سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۰، دغدغه ها و نگرانی های این کشور از جمله در زمینه خطرهای نظامی اصلی

خارجی را بیان می کند. اما ناسیونالیسم نوین روسی نه بر محور ایدئولوژی، بلکه بر محور منفعت امنیت و نفوذ روسیه بعنوان یک بازیگر بین المللی استوار است. همچنین انگاره هایی از رسالت فراملی روسی برای پیشبرد یک جهان چندقطبی که ایالات متحده آمریکا تنها یکی از قطبهای آن بشمار می رود و ایجاد یک هویت ژئوپلیتیک اوراسیایی متمایز از غرب و مبارزه با تهدیدات متصور از فرهنگ غربی نیز از دیگر محورهای ناسیونالیسم نوین روسی است. در ماه آوریل ۲۰۱۰ در پاسخ پرسش ((روسیه باید با کدام کشور در سیاست خارجی خود بیشتر همکاری کند)) ۵۰ درصد از مردم روسیه اروپای غربی، ۳۰ درصد آمریکا بود و این گرایش به احتمال زیاد ادامه دارد. (Haas, 2009). در بحث هسته ای ایران منافع روسیه هرطور ایجاب می کرده است همانطور نیز جهت گیری سیاست خارجی مقامات کرملین عوض شده است. منافع روسها در قبال ایران در چارچوب تصمیمات کشورهای غربی و سردسته آنها آمریکا بوده است. رای مثبت به قطعنامه های صادره با رای مثبت شورای امنیت، استفاده ابزاری از ایران در جریان به تاخیر انداختن اس ۳۰۰، تاخیر در ارسال سوخت به نیروگاه اتمی بوشهر، صحنه گذاشتن به تحریم های ضد ایرانی و مواردی از این قبیل خود حکایت از دنباله روی روسها از جهت گیری قدرتهای جهانی بوده است و آنطور که بعضی از روسای جمهور قبلی ما تصور می کردند، جهش به سمت شرق تامین کننده منافع ملی ما نبود زیرا نگاه روسها به ایران و در کل مسائل منطقه ای، از نوع ایدئولوژیک نبوده و تابعی از تامین منافع ملی می باشد. مقامات روسیه همواره از قدرت یابی ایران بیمناک بوده اند. و یکی از مهم ترین موضوعات در دستور کار سیاست خارجی روسیه، تلاش برای پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران است. چرا که در چارچوب منطق واقع گرایی در میانه ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک روسیه گزینه نخست را برخواهد گزید. برای روسیه بهترین گزینه تداوم وضعیت خاکستری بمعنی بطول انجامیدن بحران و حفظ موقعیت میانه بمنظور کسب بیشترین منافع از طرف های درگیر است.

### سیاست خارجی و روابط متقابل روسیه و ایران از گذشته تا کنون

در ابتدا منافعی که روسیه در خصوص گسترش همکاری های خود با ایران عایدش می شود را بصورت تیتروار بیان می کنیم: جلب حمایت ایران برای مقابله با نفوذ قدرتهای بیگانه در منطقه، نزدیکی ایران برای نفوذ در خاورمیانه، خلیج



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

فارس و کشورهای اسلامی، گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران بمنظور گرفتن امتیاز از غرب، همکاری با ایران برای جلوگیری از تشدید افراط‌گرایی قومی، نژادی، مذهبی و بی‌ثباتی در منطقه، جلب حمایت ایران برای مخالفت با توسعه ناتو به شرق.

اما منافع ایران از گسترش همکاری با روسیه شامل: نگاه ایران به روسیه بعنوان تامین‌کننده تسلیحات و تکنولوژی جدید، همکاری با روسیه برای جلوگیری از سلطه شرکتهای خارجی و فراملیتی بر منابع انرژی منطقه، جلب حمایت روسیه در مقابله با نفوذ کشورهای مخالف جمهوری اسلامی ایران در منطقه خزر، همکاری با روسیه بمنظور مقابله با فشارهای آمریکا و غرب. (ثقفی عامری، ۱۳۷۹: ۲۱).

روسیه کشوری در آسیای شمالی و اروپای خاوری می‌باشد و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی و دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک مرز آبی دارد. روسیه دارای مرز زمینی با چهارده کشور آسیایی و اروپایی می‌باشد. این کشور با ۱۷/۰۷۵/۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناورترین کشور جهان است و در سال ۲۰۱۴ با بیش از ۱۴۳/۷ میلیون نفر جمعیت، نهمین کشور پرجمعیت دنیاست. (Federal state statics service, 2015).

سوء ظن و بی‌اعتمادی تاریخی یکی از مهمترین مبانی تحلیل روابط ایران و روسیه است. فصول مربوط به تجاوزها و دخالت‌های روسیه و رقابت با دیگر قدرت‌های جهانی بر سر تضييع حقوق ملت ایران، بخش قابل توجهی از کتاب تاریخ روابط ایران و روسیه را به خود اختصاص داده است. متقابلاً، از دیدگاه روسیه نیز برخی وقایع تاریخی به ویژه گرایش‌ها و وابستگی‌های سیاسی ایران به قدرت‌های رقیب (عثمانی، فرانسه، انگلستان و آمریکا)، اهداف و آرمان‌های اعتقادی ایران در قبال مسلمانان روسیه و حوزه شوروی سابق و هراس دائمی از چرخش به سمت رقیب جهانی، مانع از اعتماد روسیه به سیاست‌های ایران شده است. بدیهی است در چنین شرایطی، سخن از نهادینه شدن روابط و استراتژیک بودن آن، با واقعیت‌های تاریخی همخوانی نخواهد داشت. روابط استراتژیک به معنی انطباق کامل اهداف، منافع، علایق و قابلیت‌های مشترک دو کشور و تلاش برای تثبیت این ویژگی‌ها و ممانعت از واگرایی توسط آنان است. گرچه ایران و روسیه دارای مواضع و منافع مشترک در برخی موضوعات منطقه‌ای و جهانی هستند، لکن عدم تحقق شرایط مذکور و چشم‌انداز متحول و متغیر سیاست‌های

بررسی مواضع  
روسیه در قبال  
سیاست خارجی ...  
(۹۵ تا ۱۲۶)

داخلی و خارجی دو کشور و الزامات، تعهدات، باورها و آرمان های متفاوت هر یک، مانع از انتخاب دیگری به عنوان متحد یا شریک استراتژیک می گردد. در ابتدا بایستی در اشاره ای کوتاه به این موضوع بپردازیم که بطور کلی سه رویکرد در سیاست خارجی روسیه وجود داشته که عبارتند از:

۱. رویکرد آتلانتیک گرایان: این گروه طرفدار سرسخت مشارکت راهبردی با آمریکا است و منافع ملموس برآمده از پیوند با غرب را برجسته می نمایند. اینان تهدید اصلی امنیتی را نه آمریکا، بلکه رشد اسلام گرایی در مرزهای جنوبی خویش می دانند.

۲. رویکرد دوم، رویکرد قدرتمند نئو اوراسیا گرایان هستند که در مقابل دیدگاه پیشین، دخالت آمریکا در مسائل منطقه را نمی پسندند و به روابط نزدیک با چین و ایران علاقمندند.

۳. رویکرد سوم که بانفوذترین گروه می باشند، کسانی هستند که بعد از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در سیاست خارجی روسیه نقش آفرینی می کنند. این عمل گرایان ملی گرا، برتری آمریکا در سیاست بین الملل را به رسمیت می شناسند، اما بر این باورند که روسیه حق اعمال اراده در حوزه نفوذ خود را داراست. و به منافع ملی خود بجای ایدئولوژیک و حفظ روابط کم تنش با غرب و تداوم همکاری با کشورهای مثل ایران و چین می اندیشند. (جعفری، تقی نژاد، ۱۳۹۱: ۶۱).

تحلیل روابط ایران و روسیه همواره تحت تأثیر وصیت نامه منسوب به ((پتر کبیر))، تزار روسیه قرار داشته است. فارغ از صحت و سقم این گزاره، حرکت بسمت جنوب ایده ای است که همواره در موضوع روابط ایران و روسیه مطرح شده است. (کولایی، ۱۳۹۳: ۱۴۸).

اکنون سیر تاریخ روابط ایران و روسیه را بصورت خلاصه در چند مولفه مورد بررسی قرار می دهیم:

**الف) روابط ایران و روسیه در دوران تزارها:** پیشینه روابط سیاسی اقتصادی ایران با روسیه به سال ۱۵۹۲ میلادی هنگامی که شاه عباس صفوی یک هیأت بازرگانی را برای افتتاح باب تجارت به مسکو فرستاد، باز می گردد. سه سال بعد تزار روس نیز سفیری را به دربار ایران اعزام کرد. (کریمی، ۱۳۸۸: ۷). تاریخ روابط دو کشور قدمتی چهارصد ساله دارد. به عبارتی در اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶ را می توان سرآغاز تشکیل دولتهای ملی در ایران و روسیه دانست. اهداف روسیه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵



تزاری در آن دوران از تصرف سرزمین ایران شامل مواردی چون: تصرف سرزمین هر جا که ممکن باشد، جلوگیری از نفوذ کشورهای مخالف منافع روسیه در سرزمین ایران، کسب سیطره بر سیاستهای داخلی و خارجی ایران بمنظور به حداقل رساندن نفوذ دولتهای خارجی در ایران و کسب حداکثر منافع اقتصادی و سیاسی در ایران. (فولر، ۱۳۷۵:۱۶۱).

**ب) مناسبات ایران و روسیه پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه تا پیروزی انقلاب اسلامی:** پس از پیروزی بلشویکها در روسیه سیاست خارجی این کشور دچار تحولات اساسی شد. رهبران انقلابی روسیه که به حکومت جهانی سوسیالیسم می‌اندیشیدند، به ایران بعنوان کانال سوئز انقلاب کمونیستی می‌نگریستند. و ایران برای توفیق انقلاب سوسیالیستی، نخستین کشوری است که باید توسط شوروی‌ها تسخیر شود و ایران باید به انقلاب تعلق یابد. (حافظ نیا، ۱۳۷۱:۱۳۵).

**ج) دوره زمانی بین وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی:** بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ژئوپلیتیک منطقه دچار تحولات اساسی شد و ایران حافظ منافع غرب، تهدیدی جدی علیه منافع آن بویژه آمریکا بشمار رفت. گرچه انقلاب اسلامی به لحاظ ماهیت خود ظاهراً، با نظام سوسیالیستی نیز متعارض بود، ولی شوروی از این واقعه خشنود بنظر می‌رسید چرا که ایران مستقل برای آنها بهتر از ایران وابسته به بلوک مخالف بود. (اطاعت، ۱۳۷۶:۹۵). ولی علی‌رغم خوش باوریهای اولیه مقامات شوروی، انقلاب اسلامی با سیاستهای شوروی نیز همراه نبود. چنانچه امام خمینی فرمود: ((ما با کمونیسم بین الملل به همان اندازه در ستیزیم که جهانخواران غرب به سرکردگی آمریکا و صهیونیسم مبارزه می‌کنیم. خطری که از ناحیه کمونیسم متوجه ماست، کمتر از آمریکا نیست.)). (رضا زاده، ۱۳۸۴:۶۷). گرچه در دوران بعدی از سیاست خارجی ایران جهت‌گیری متفاوتی و گرایش به شرق در دستور کار مقامات ایران قرار گرفت.

**د) روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی:** پس از فروپاشی شوروی، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران و روسیه دچار تغییر و تحول اساسی شد. ولی بطور کلی تنظیم دیپلماسی و سیاست خارجی ایران با روسیه از اولویت برخوردار بوده است. دو کشور تقریباً روابط متعادلی با هم داشته‌اند و به سمت همگرایی بیشتر حرکت کرده‌اند. ولی باید به این نکته اشاره کرد که روابط ایران و روسیه طی دوران بعد از انقلاب اسلامی بطور عام و دهه گذشته، بطور

بررسی مواضع  
روسیه در قبال  
سیاست خارجی ...  
(۹۵ تا ۱۲۶)

خاص، به سطح راهبردی نرسیده و راهکنشی<sup>۱</sup> بوده است. دلیل آن شاید باور نادرست دولتمردان و صاحب‌نظران روس نسبت به ایران باشد. در نگرش نظریه پردازان روسیه، جمهوری اسلامی ایران، کشوری پنداشته می‌شود که توجه به غرب بطور جدی برای آن مهم است و هر آن ممکن است با برقراری ارتباط با جهان غرب و بویژه آمریکا، به جمع محاصره کنندگان روسیه بپیوندد. از طرفی فقدان آشنایی جامعه روسیه با ایران باعث شده است که آن را بعنوان تهدید بنگرند. (متقی و دیگران، ۱۳۹۳:۱۲۱). بر اساس یک نظرسنجی که بنیاد افکار عمومی روسیه<sup>۲</sup> در آوریل ۲۰۰۶ انجام داده است، ۳۷ درصد پرسش‌شوندگان، ایران را دوست و ۲۷ درصد آن را غیردوست دانسته‌اند، ۳۶ درصد هم نظری نداشته‌اند. (Baklitsky, 2013:5). از این جهت باید گفت که برخورد روس‌ها با ایران در مسائل داخلی در قالب یک واقع‌گرایی سطحی است و آنها بیشتر به رفتار ایران و پادشاه غرب نگاه می‌کنند. در مورد مسائل هسته‌ای نیز برای آنها مهم است که اروپا چکار می‌کند. (Rees and Aldrich, 2005:14).

در دوره مورد بحث ما که پرونده هسته‌ای در آن دوران در جریان بوده است بایستی به مواضع و دیدگاه‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ایران در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و همچنین دوران کنونی، ریاست جمهوری رئیس‌دولت یازدهم، آقای دکتر حسن روحانی پردازیم.

جهان‌بینی دولت نهم و دهم درباره دنیای خارج بر چهار پایه استوار است. نخستین پایه، ماهیت انقلابی آن است. سیاست خارجی ساختار فعلی نظام بین‌المللی را ناعادلانه می‌داند و خواستار تغییر آن است. به اعتقاد رییس دولت نظام «فاسد» کنونی جهان باید جای خود را به نظامی اسلامی دهد که در ذات خود عادلانه، منصفانه و برحق است. پایه دوم جهان‌بینی اسلامی ویژگی تمام‌خواهی آن است. در این نظام سیاسی، چون در دیگر نظام‌های تمام‌خواه، ارائه تصویری از «جهان بهتر» و طراحی شیوه‌هایی برای رسیدن به آن از رسالت‌های عمده حکومت است. از دیگر ویژگی‌های آن، نگرانی واقعی یا صوری رهبران از دسیسه‌های دشمنان خارجی و داخلی است. از این نظر اوضاع و احوال کشور را هیچ‌گاه نباید آرام و عادی تلقی کرد و وضعیت اضطراری را دست‌کم گرفت. سومین پایه جهان



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

1. Tactical  
2. Russian Public Opinion Research Center

بینی دولت کنونی ایران دیدگاه فراملی آن است. در این دیدگاه رسالت حکومت بیش از هر عامل دیگری معطوف به اسلام و امت اسلامی در جهان است که مهمترین هدفش تحکیم و گسترش ایمان و باورهای دینی است و نه حفاظت از کشور. چهارمین پایه جهان بینی دولت را می توان بلندپروازی های جهان جویانه آن دانست. این بلندپروازی ها در کنش ها و واکنش های این دولت تجلی کرده است. وجه واکنشی این بلندپروازی اسلامی معرف خشمی ریشه دار از قرن ها رکود و عقب ماندگی است. از سوئی مسئولیت این رکود را متوجه دولت های گسترش طلب غربی و حاکمان مسلمان هم پیمان آنان می دانند. (جلالی، ۱۳۹۱). احمدی نژاد برای جبران عدم رابطه با غرب، دست دوستی به سمت روسیه دراز کرد تا از حمایت این قدرت منطقه ای و جهانی در قبال فشارهای جهانی استفاده کند. مردان دیپلماسی دولت های نهم و دهم سعی می کردند با جلب نظر این کشور از رای مثبت این قدرت جهانی در پرونده هسته ای و مناقشات بین المللی به نفع خود استفاده کنند. به بیان ساده می توان گفت که در آن زمان ایران مجبور به دوستی با روسیه بود و اگر روسیه را نیز از دست می داد تبدیل به یکی از تنهاترین کشورهای جهان در عرصه بین المللی می شد. اما ارتباط یکطرفه و صرف با شرق تنها چیزی که عاید منافع ملی ما در آن دوران نمود فقط وابستگی عاجزانه به شرق و تبدیل شدن ایران به بازاری برای کالاهای بی کیفیت چین و روسیه.

در روابط ایران و روسیه در دوران احمدی نژاد، برجسته ترین عنصر سازنده سیاست خارجی، نگاه به شرق و رویکرد تهاجمی بود، رویکرد نگاه به شرقی که جایگزین سیاست تنش زدایی و تعامل و گفتگوی با غرب مورد اقبال دولت پیشین قرار گرفت. همزمانی سیاست نگاه به شرق احمدی نژاد با رویکرد پرخاش گرانه پوتین (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۲) که البته با گسترش نسبی روابط ایران و روسیه همراه بود، به این پنداشت دامن زد که گویی روابط دو دولت در حال تبدیل شدن به یک همپیمانی استراتژیک است. پندار شکل گیری مناسبات راهبردی میان ایران و روسیه که در گفتار احمدی نژاد و دولتمردان وی با تاکید بر سیاست نگاه به شرق بازتاب می یافت، با نشانه هایی مانند تمایل روسیه بر تداوم همکاری های هسته ای با ایران و دفاع از صلح آمیز بودن این برنامه، پشتیبانی از خواست ایران برای عضویت ناظر در پیمان شانگهایف همسویی در قابل تحولات خاورمیانه و مشخصا سوریه، تقویت می شد. اما واقعیت آن است که در دوره مزبور نشانه هایی در رفتار

بررسی مواضع  
روسیه در قبال  
سیاست خارجی ...  
(۹۵ تا ۱۲۶)

سیاست خارجی روسیه نمایان می شد که پندار شکل گیری پیوند استراتژیک میان دو کشور را دستخوش تردید می ساخت. نشانه هایی چون تعلل در راه اندازی بموقع نیروگاه بوشهر، همگامی با تصمیمات شورای حکام و شورای امنیت بر علیه ایران، خودداری از تحویل سامانه دفاع هوایی اس ۳۰۰، و این موارد. این نشانه های ناهمگون و ناهمساز در منش روسیه در قبال ایران منتهی به طرح این پرسش گردید که چگونه می توان وصف و رابط استراتژیک را بمنظور توصیف مناسبات ایران و روسیه در دوره احمدی نژاد، همانگونه که او و دستگاه دیپلماسی اش مدعی بودند را پذیرفت. (نوروزی، رومی، ۱۳۹۳: ۹۴).

بر اساس اصطلاح ((چشم انداز روسی)) در روابط ایران و روسیه در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، فهم منطق حاکم بر پویای روابط ایران و روسیه و منحنی تحولات در روابط با ایران و روسیه در دهه اخیر بیش از آنکه تابع اهداف سیاست خارجی ایران باشد از اولویت ها و اهداف راهبردی روسیه تأثیر پذیرفته است. (نوروزی، رومی، ۱۳۹۳: ۹۷). بکارگیری نسبتاً گسترده تعبیری چون ((برگ برنده، کارت بازی، اهرم فشار، سیاست تاکتیکی)) و همانند آن از سوی پژوهشگران برای توصیف رفتار روس ها با ایران به خوبی گواه عمل گرایان فرصت طلبانه روسیه در قبال ایران، بویژه در دوره احمدی نژاد است. بنابراین روس ها با در نظر گرفتن الزامات و اهداف خود در عرصه بین المللی سه دستور کار عمده را در روابط با ایران دنبال کرده اند: ۱. بازنمایی هویت روسیه و جایگاه یک قدرت برتر. ۲. پیشینه سازی منافع اقتصادی. ۳. ارتقاء اثرگذاری ژئوپلیتیک. (کولایی، ۱۳۸۵: ۸۱).

در مجموع می توان علل و عوامل ضعف های سیاست خارجی دولت نهم و دهم را به شرح ذیل دسته بندی کرد:

۱. عدم تعامل دولت با کشورها و دولت های تأثیر گذار دنیا و منطقه.
۲. عدم استفاده دولت از نیروهای کارآمد و ماهر در عرصه سیاست خارجی و عدم بهره برداری از مشاوره سیاست مداران مجرب.
۳. عدم توازن دولت در اتخاذ سیاست های مؤثر خارجی.
۴. کم اعتقادی دولت به دیپلماسی فعال در سطح بین الملل.
۵. محدود کردن سطح روابط ایران با کشورهای دیگر و نبود سفرهای دو جانبه رسمی به کشورهای مهم منطقه و جهان. (جلالی، ۱۳۹۱).



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

با تغییر دولت در ایران و باز شدن درهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی کمی فضا تغییر کرد. روحانی با شعار بهبود روابط ایران با کشورهای جهان توانست تغییرات گسترده‌ای در سیاست خارجی ایران به وجود بیاورد. مهم‌ترین دستاورد این تغییر، توافق بزرگ هسته‌ای با ۱+۵ و به ویژه با آمریکا بود. ایران و آمریکا در مورد یک موضوع، پشت یک میز نشستند و گفت‌وگو کردند حتی دو رئیس‌جمهور در اولین سال حضور روحانی در سازمان ملل، تلفنی با هم در مورد مسائل جهان و پرونده هسته‌ای گفت‌وگو کردند.

تغییر رویکرد ایران باعث شد تا کشورهای اروپایی به سمت ایران تمایل پیدا کنند و دست دوستی خود را به سمت ایران دراز کنند و به صنایع خود اشاره کنند تا بازار ایران را از دست ندهند.

ایران در زمان روحانی با دست‌هایی روبرو بود که به سمتش دراز شده و دیگر احتیاج نبود تهران یکطرفه دستش را برای دوستی به سمت کسی دراز کند. همین سیاست‌دهان باز باعث شد روسیه نیز در رابطه با ایران دچار تغییر اساسی شود. سران کرملین فهمیدند دیگر نمی‌توانند براساس احتیاج ایران با جمهوری اسلامی رفتار کنند. آنها پی به این معنا بردند که اگر کمی در رابطه با ایران دچار اشتباه شوند و خود را کنار بکشند یک بازار بزرگ را از دست خواهند داد. آنها حالا برای رقابت با دیگر کشورهای قدرتمند جهان دست دوستی خود را به سمت ایران دراز کرده‌اند. بر این اساس، از منظری آینده‌شناسانه، سیاست خارجی مستقل جمهوری اسلامی ایران با پشتوانه سیاست داخلی منسجم و تکیه بر نیروهای ملی، توان آن را دارد که در صحنه روابط بین‌الملل به ایفای نقش پردازد. بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، ایران باید به سوی کشوری قدرتمند در منطقه، با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل پیش برود. بنابراین، بدون داشتن تعامل سازنده و مؤثر با بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، نمی‌توان به این هدف نهایی دست یافت. و در دوران دولت یازدهم و تیم دیپلماسی قدرتمند و مجربی که در اختیار داشت توانست در حل بحران هسته‌ای که با سیاست‌های تهاجمی و احساسی دولت گذشته به بن‌بست رسیده بود به سرانجام برساند.

بررسی مواضع  
روسیه در قبال  
سیاست خارجی ...  
(۹۵ تا ۱۲۶)

## برنامه هسته ای ایران از ابتدا تا اختتام

نخستین تلاش های ایران برای دست یابی به فناوری هسته ای به دهه ۱۹۵۰ میلادی باز می گردد و جالب اینجاست که ایالات متحده آمریکا نخستین کشوری بود که ایران را به دست یابی به فناوری هسته ای ترغیب کرد که شاید با توجه به مخالفت های کنونی برنامه هسته ای ایران کمی عجیب به نظر برسد.

در چارچوب برنامه پیشنهادی آیزنهاور موسوم به اتم برای صلح، اولین قرارداد همکاری در زمینه های غیر نظامی اتمی بین دو کشور به امضا رسید. (شیرازی، ۱۳۹۴: ۷) در ۵ مارس ۱۹۵۷ در بحث برنامه هسته ای ایران بعد از انقلاب اسلامی، در ۲۳ مرداد سال ۱۳۸۱ شروع شد که سخنگوی گروهک منافقین طی کنفرانسی مطبوعاتی در هتل ویلارد واشنگتن ادعای فعالیت های مخفیانه اتمی توسط جمهوری اسلامی ایران را در سه مجتمع نطنز، تهران و اراک مطرح کرد. و حدود ۴ ماه بعد شبکه CNN گزارشی بر مبنای بررسی موسسه علم و امنیت بین المللی در آمریکا روی آنتن برد که با تصاویر ماهواره ای این سایت مستند شده بود و در آن شرایط نطنز و اراک بدون اطلاع آژانس ساخته می شد. و تهران نیز پروتکل الحاقی ۲+۹۳ و ترتیبات اجرایی فرعی را نپذیرفته بود. (فلاحی، ۱۳۸۶: ۸۲). دو قطعنامه شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی علیه ایران بحران بی سابقه ای را در ایران بوجود آورد. فشار غیرمتعارف و خلاف مقررات آژانس برای پذیرش پروتکل الحاقی و منع استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای، ایران را در دوراهی دشوار ماندن یا خروج از آژانس قرار دهد. سرانجام دولتمردان دولت اصلاحات که در آن دوران حسن روحانی مسئول مذاکرات اتمی ایران با آژانس اتمی بود، اقداماتی برای کاهش فشارهای جهانی علیه ایران انجام دادند. از جمله اینکه با دعوت از البرادعی رئیس آژانس انرژی اتمی و وزرای سه کشور اورپایی به ایران از وحدت اروپایی ها و آمریکا بر علیه ایران کاست و توانست دیپلماسی نرم به نمایش بگذارد. دیگر اینکه با پذیرش پروتکل الحاقی، گام دیگری در تغییر ذهنیت غربی ها بر علیه ایران بر دارد. بطور کلی در دوران دولت اصلاحات پرونده هسته ای ایران بدون ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل در آژانس باقی ماند. (مهاجرنیا، ۱۳۸۳: ۵). با روی کار آمدن دولت نهم و شخص محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری، او با اعلام تصمیم از سرگیری برنامه هسته ای با شکستن پلمب تاسیسات نطنز، ارجاع پرونده هسته ای به شورای امنیت در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ آغاز شد. دولت نهم خط مشی



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

جدیدی را در خصوص برنامه هسته ای در پیش گرفت. این خط مشی بر سه پایه قرار داشت: ۱. نگاه به بازیگران شرق و خارج کردن انحصار پرونده از دست سه کشور اروپایی. ۲. خارج کردن پرونده از مجاری صرفاً سیاسی و قراردادن آن در چهارچوب های حقوقی آژانس اتمی. ۳. از سرگیری فعالیت هسته ای که در دولت قبل داوطلبانه تعلیق شده بود. (اجاقلو، ۱۳۸۵: ۲۲). در واقع دولت احمدی نژاد از همان آغاز با جدیت تعلیق را شکست و به نوعی آغازگر دیپلماسی تهاجمی در این عرصه بود. بعبارتی خط مشی تهاجمی او، بهترین دفاع را حمله می دانست و به همین دلیل قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت علیه ایران را کاغذ پاره دانست و ضمن تاکید بر تداوم فعالیتهای هسته ای ایران، و در واکنش به تحریم قطعاعات هسته ای و موشک های دوربرد شورای امنیت علیه ایران گفت: ((ما که اصلاً چیزی از شما نخواستیم و اگر هم خواستیم دیگر ندهید. از شما بخاطر این مسئله تشکر می کنیم.)) (روزنامه آفتاب یزد، ۱۳۸۵: ۲). به دلیل سیاست های تهاجمی و فاقد دیپلماسی تیم محمود احمدی نژاد که ابتدا به رهبری علی لاریجانی و بعد هم سعید جلیلی به عهده داشت، ۶ قطعنامه (۱۷۳۷، ۱۶۹۶، ۱۹۲۹، ۱۸۳۵، ۱۸۰۳، ۱۷۴۷) بر علیه منافع ملی ما در شورای امنیت سازمان ملل تصویب گردید. تحریم هایی که با هدف قرار دادن اقتصاد کشور، ما را وارد ورطه ای نمود که تورم بالا و بیکاری روزافزون از عواقب آن بوده است و مهم تر خراب شدن وجهه و چهره ایرانی در عرصه بین الملل بود. بطور کلی سیاستی که دولت محمود احمدی نژاد در قبال بحث هسته ای در پیش گرفت، بیش از آنکه تابع تغییرات حاکم بر نظام بین الملل باشد و یا از ساختار و چارچوب مشخصی و در راستای تامین منافع ملی باشد و یا اینکه تابع پارادایم های حاکم بر روابط بین الملل باشد، بشتر سیاست خارجی شخص محور و تابع ویژگی های شخصیتی و روانی رئیس جمهور است. چون سیاست خارجی که تابع مولفه های تشکیل دهنده منافع ملی باشد، نمی تواند در حساس ترین دوران دیپلماسی خود با چرخش ۱۸۰ درجه ای مواجه شود و در مسیری کاملاً متفاوت با دور قبل گام بردارد.

با توجه به بحران هایی که محمود احمدی نژاد به بار آورد، تلاش برای تغییر این روند در دولت حسن روحانی آغاز شد. قرار گرفتن پرونده از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه و به عرصه آمدن تیمی مجرب متشکل از دکتر محمد جواد ظریف، سید عباس عراقچی و... نوید تبدیل دیپلماسی تهاجمی

دوران گذشته به یک نوع دیپلماسی سازنده و با هدف برد-برد می داد. حال اینکه معضل هسته ای ۱۲ ساله ایران چگونه به سرانجام رسید را بطور مختصر به دیپلماسی دکتر ظریف و تیم ایشان اشاراتی خواهیم کرد. که از قول دکتر عراقچی دستیابی به توافق هسته ای و در پی آن به رسمیت شناخته شدن حق هسته ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل، در صورتی که قبلا ما اصلا حق استفاده انرژی هسته ای را نداشتیم، به واقع بیانگر این بود که دستاورد ۱۲ ساله ما در نبرد اراده ها خلاصه می شد. این دعوا به نفع اراده ایرانی برای خواستن به سرانجام رسید. (شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۰). حضور رئیس دولت یازدهم در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، گفت و گوی تلفنی اوباما - روحانی، اولین نشست با اعضای ۵+۱ در نیویورک و نشست های سه گانه ژنو در سوم آذر ۱۳۹۲ و در مدت زمان کمتر از صد روز از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم به نتیجه رسید و توافق ایران با ۶ کشور بزرگ در صدر اخبار جهان نشست. نکته مهم در این اتفاق آن بود که برای نخستین بار حقوق هسته ای و حق غنی سازی ایران از سوی قدرت های جهانی مورد تأیید قرار گرفت که همواره به عنوان خط قرمز نظام در مذاکرات هسته ای از آن یاد می شد. پس از توافق ۶ ماهه ژنو مذاکرات میان ایران و کشورهای ۵+۱ برای دستیابی به توافقی نهایی و جامع آغاز شد. در همین راستا ایران و گروه ۵+۱ چندین نشست در وین برای دستیابی به راه حل جامع هسته ای برگزار کردند تا آنکه طرفین سرانجام پس از ۹ روز تلاش کارشناسی و دیپلماتیک؛ ۱۴ فروردین ۱۳۹۴ در لوزان سوئیس به تفاهمی که مبنای توافق نهایی هسته ای ایران و ۵+۱ را تشکیل می داد، دست یافتند. تفاهمی که پایه گذار توافقی شد که یک بار برای همیشه پرونده هسته ای ایران را در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ در وین خاتمه داد و برای نخستین بار دو طرف توانستند به نقشه راهی مشترک برسند. مذاکرات دور جدید توسط دیپلمات های مجرب دولت یازدهم حدود ۲۲ ماه طول کشید و روزها و ساعات طولانی صرف رایزنی های تاریخی شد و در نهایت، اعلام رسمی توافق هسته ای در ۲۳ تیرماه (۱۴ ژوئیه) و صدور قطعنامه ۲۲۳۱، مهر تأییدی بر خروجی موفقیت آمیز مذاکرات زد. در جریان این دور از مذاکرات، تاریخ مذاکرات دیپلماسی شاهد رکوردهای تازه ای هم بود. در دوره مسئولیت هسته ای ظریف که از ۲۶ مرداد ۱۳۹۲ آغاز به کار کرد، ۵۲ دور مذاکره طی ۱۸۹ روز به صورت جمعی و جداگانه با کشورهای گروه ۵+۱ برگزار شد. (پرونده ۱۳ ساله هسته ای چگونه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵



بسته شد، ۱۳۹۴) همچنین در این مدت طرفین در برگزاری برخی ادوار مذاکرات هم رکوردهای جالب توجهی برجای گذاشتند. از جمله اینکه هر دو وزیر خارجه ایران و امریکا رکورد طولانی ترین حضور بی وقفه در خارج از پایتخت و کشورهایشان را شکستند. کری در دور پایانی مذاکرات که به دستیابی طرفین به توافق منتهی شد، ۱۸ روز برای مذاکره با ظریف در وین اقامت کرد. رکوردی که با رکورد جرج شولتز وزیر خارجه دولت ریگان در سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ برابری کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، رکورد طولانی تر بعدی در زمینه اقامت یک وزیر خارجه ایالات متحده در خارج از کشور برای گفت و گو بر سر یک موضوع مشخص، به سفر ۳۴ روزه هنری کیسینجر به خاورمیانه در سال ۱۹۷۴ میلادی به منظور پیگیری مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل اختصاص دارد. اما تفاوت در این است که کیسینجر در آن سفر، بین بیت المقدس، دمشق، امان و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه در تردد بود و در طول این گفت و گوها در یک شهر و محل خاص اقامت نداشت، در حالی که کری طی مذاکرات پایانی در تیرماه سال جاری، به طور دائم در وین بوده است. همچنین رکورد طولانی ترین مذاکره بی وقفه یک وزیر امور خارجه امریکا پس از جنگ جهانی دوم را در شب تفاهم لوزان که به دستیابی به چارچوب اصلی توافق منتهی شد، شکسته شد. مذاکرات لوزان سوئیس، از نیمه شب آغاز و تا صبح روز بعد که تفاهم لوزان اعلام شد، ادامه پیدا کرد.

در نهایت برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام<sup>۱</sup> در راستای توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و بدنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ (شامل چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده امریکا و آلمان) منعقد شد. بر اساس این توافق، ایران ذخایر اورانیم غنی شده متوسط خودش را پاکسازی کرد و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع می‌کند، و تعداد سانتریفیوژها را حدود دوسوم و حداقل برای ۱۵ سال کاهش می‌دهد. برای ۱۵ سال بعد، ایران موافقت کرده است که اورانیوم را بیش از ۳٫۶۷ درصد غنی‌سازی نکند یا هیچ تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب‌سنگین جدیدی را نسازد.

#### 1. Joint Comprehensive Plan of Action

شورای امنیت سازمان ملل در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ (۲۹ تیر ۱۳۹۴)، با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، برجام را مورد تایید قرار داد. (شیرازی، ۱۳۹۴: ۱).

این توافق هسته ای بین ایران و گروه کشورهای ۵+۱، بعنوان یک روز تاریخی در تاریخ روابط بین الملل محسوب می شود. موفقیت این مذاکرات نمونه ای از اهمیت و پافشاری نسبت به سیاست و دیپلماسی بین المللی بشمار می آید و اساس ثبات در منطقه خواهد بود و می توان این توافق را یک پیروزی برای دیپلماسی محسوب کرد.

### مواضع سیاست خارجی روسیه در قبال توافق هسته ای ایران

یه سری عوامل در سطح بین المللی وجود دارد که خود به خود باعث همگرایی بیشتر میان دو کشور ایران و روسیه شده است که به مهمترین آنها می پردازیم:

الف) مخالفت ایران و روسیه با نظام تک قطبی، سلسله مراتبی و یکجانبه گرایانه آمریکا.

ب) نزدیکی ایران به روسیه بمنظور مقابله با تحریم های آمریکا و سیاستهای خصمانه متحدان آمریکا در منطقه.

ج) همکاری ایران و روسیه برای جلوگیری از فشارهای آمریکا برای منزوی ساختن دو کشور.

د) نارضایتی ایران و روسیه و مقابله با گسترش ناتو به شرق و ابراز نگرانی از استقرار سامانه های دفاع موشکی آن.

ذ) حمایت ایران از روسیه برای حضور در سازمان کنفرانس اسلامی بعنوان عضو ناظر.

ر) گسترش روابط ایران و روسیه برای امتیازگیری از غرب.

ز) تلاش ایران و روسیه برای بازتعریف جایگاه آنها در عرصه جهانی در راستای راهبرد تغییر وضع موجود و رسیدن دو کشور به منزلت مطلوب. (غیور، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

در ابتدا باید گفت روسیه به پیروی از عمل گرایی مبتنی فرصت طلبی راهبردی و در چارچوب رهیافت کلان خود به سیاستهای جهانی، اهداف ملی خود را در روابط با ایران پیگیری نموده است. (نوروزی، رومی، ۱۳۹۳: ۹۳). مواضع روسیه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

نسبت به برنامه صلح آمیز هسته ای ایران دارای دو بعد بوده است، بعد اول مربوط به همکاری های نظامی و هسته ای و ساخت و تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و بعد دوم مربوط به الگوهای رفتاری و رویکرد روسیه در شورای امنیت و اجلاس ۵+۱ علیه جمهوری اسلامی ایران می باشد. گذشته از هر نوع قضاوت و رویکردی روسیه با توجه به منافع حداکثری اقتصادیف امنیتی که در همکاری با ایران دارد، همواره خواهان حل مسالمت آمیز موضوع هسته ای ایران بوده است. (کیانی، ۱۳۸۷:۳۵۴). و انتخاب پوتین به ریاست جمهوری روسیه مرحله جدیدی از بازشناسی منافع روسیه بود. تفکر ویژه ای که بصورت توأمان سنتهای اتحاد جماهیر شوروی و تلاشهای داخلی برای عبور مسالمت آمیز از آن را برداشت، زمینه یک خودآگاهی خردمندانه تر از منافع میل را فراهم کرد. (حق شناس، ۱۳۹۰:۱۱۸). بعد از مطرح شدن برنامه صلح آمیز هسته ای ایران در سال ۲۰۰۲، روس ها اصرار داشتند نگرانی آنها ناشی از فشار آمریکا نیست، بلکه بدلیل گسترش سلاحهای کشتار جمعی در نزدیکی مرزهایشان است. روسیه در زمینه فروش تسلیحات به جمهوری اسلامی ایران نیز دارای این دیدگاه می باشد. منع گسترش بعنوان تاکید اصلی در سیاست خارجی روسیه بشمار می رود. بطوری که پوتین در نطق خود در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اعلام کرد، صریحا با گسترش باشگاه دولتهای هسته ای مخالف است. (Aslund, 2005). و اینکه پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران از اواسط دهه ۱۹۹۰ و در پی انعقاد قرارداد ساخت نیروگاه هسته ای بوشهر توسط روسیه بعنوان یکی از موارد اصلی در دستور کار روابط آمریکا با روسیه درآمد. نفوذ و تاثیرگذاری آمریکا بر روسیه در این مورد ابتدا در زمان دولت کلینتون به شکل توافق ال گور-چرنومردین میان ال گور معاون رئیس جمهور آمریکا و چرنومردین نخست وزیر روسیه در جهت تشویق روسیه برای توقف همکاری های نظامی و هسته ای با جمهوری اسلامی نمایان گردید. (حق شناس، ۱۳۹۰:۱۲۶).

در خصوص رفتار سیاست خارجی روسیه در پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران، چهار موضع گیری رسمی را به شکل زیر می توان دسته بندی کرد:

۱. ادامه گفت و گوها از مجاری نهادی و چندجانبه: اجلاس شورای حکام، میز مذاکرات چندجانبه با طرف های ایرانی، روسی، آمریکایی و اروپایی (۵+۱) و در مرحله نهایی شورای امنیت فرایند چندجانبه ای است که گزینه مطلوب سیاست هسته ای روسیه در پرونده هسته ای ایران است. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷:۶).



۲. **بیان خطوط قرمز امنیتی:** در ارتباط با پرونده هسته ای ایران، آنچه مهم ترین خط قرمز امنیتی روسیه در این پرونده است، حفظ موازنه هسته ای در مرزهای جنوبی است. پوتین دغدغه های امنیتی روسیه را اینگونه اعلام کرده است. ((ما نه تنها با گسترش و انتقال تسلیحات هسته ای به ایران، بلکه به دیگر مناطق نیز مخالف هستیم)) دیدگاه روسیه و آمریکا در این زمینه نزدیکتر از آنچه است که به نظر می رسد. (عباسی اشلقی، ۱۳۸۶: ۲۳).

۳. **جلوگیری از یکجانبه گرایی امریکا و محور یورو-آتلانتیک:** به اعتقاد مقامات کرملین، مقاومت در برابر تحریم های یکجانبه علیه ایران از جمله تحریم های آمریکا و اروپا پس از نگرش اومانو در اواخر سال ۲۰۱۱، ضمن رساندن این پیام به ائتلاف ناتو مبنی بر نادیده انگاشتن روسیه در فرایند چندجانبه گرایانه حل بحران اتمی ایران، فرصت را برای از سرگیری مذاکرات افزایش می دهد. البته حفظ منافع سیاسی اقتصادی ۳ تا ۴ میلیارد دلاری در سال با ایران در تعامل بدون تحریم نیز مولفه انگیزشی دیگری است که گزینه تحریم های یکجانبه را برای روسیه کمرنگ می سازد. (پرونده هسته ای ایران، ۱۳۸۶: ۸۲).

۴. **ایفای نقش پررنگ تر در مسائل فنی پرونده هسته ای ایران:** انتقال سوخت هسته ای به ایران به مهم ترین اهرم آغاز به کار نیروگاه بوشهر ضمن تسلط بیشتر روس ها بر سازوکار غنی سازی و گردش انرژی در نیروگاه، عرصه گسترده ای از امتیاز گیری فنی و سیاسی را از دو طرف دیگر بازیگر پرونده هسته ای برای روسها فراهم می آورد. موضع روسها زا یکطرف ناگزیر بودن تحریم ها بوده و از طرف دیگر ایفای نقشی مهم تر از دیگر رقبا می باشد.

به باور بسیاری از تحلیلگران، مواضع سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران، متأثر از عوامل و گزینه های متفاوتی بوده است:

۱. **تردید نسبت به اهداف ایران:** اینکه روس ها با شک و تردید هایی نسبت به کسب منزلت و جایگاه ایران در منطقه نگاه می کنند شکی نیست. کما اینکه علی رغم بعضی همکاری ها در بعضی از حوزه ها، اما ما شاهدیم که روسها در دوره ای نسبت به عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای چندان روی خوش نشان نمی دهند و ایران صرفا با مساعدت کشورهای کوچکتر مثل تاجیکستان و قرقیزستان توانست در نشست سران سازمان در جولای ۲۰۰۵، در شهر آستانه به عضویت ناظر پذیرفته شود. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

۲. تلاش برای تامین منافع اقتصادی و فروش تسلیحات نظامی خود و عبارت بهتر نگاه ابزاری و منفعت محور: با وجود سیاست حرکت به غرب و نگاه به شرق روسیه در قبال ایران، ولی با این وجود، بودن کشوری قدرتمند مثل ایران در مرزهای روسیه خود مانعی محکم در برابر قدرت طلبی و نفوذ آمریکا می باشد که روسیه با در نظر گرفتن منافع حداکثری اقتصادی، سیاسی خود این مهم را مدنظر داشته است.

۳. تلاش برای مشارکت در مدیریت بحران و رای مثبت به هر ۶ قطعنامه صادره علیه ایران: روسها در شورای امنیت سازمان ملل، تاکتیک و موضع ضد و نقیضی نسبت به ایران داشته است و از آن طرف همراهی و همگامی با شورای امنیت داشته و در تصویب تمام قطعنامه ها نه تنها ابزار ندامت نکرده بلکه مستقیم و غیرمستقیم بابت نقش تعدیل کننده اش در محتوای قطعنامه و شدت تحریم ها سخن گفته اند و از طرف دیگر به مقامات ایرانی وعده همراهی با تهران در آینده می دهند. (مجتهدزاده، رشیدی نژاد، ۱۳۹۰: ۴).

۴. تاثیرپذیری و تبعیت روسیه از سیاستها و مواضع آمریکا و غرب بر علیه ایران: در این زمینه برژینسکی معتقد است منافع روسیه در اختلاف آمریکا با ایران بهتر تامین می شود. (ماهنامه اقتصاد ایران، ۱۳۸۶: ۱۸).

گرچه مواضع اولیه روسیه در برخورد با کشورهای گروه ۵+۱ و همچنین رایزنی های آمریکا خاصیت متفاوتی دارد، اما تجارب گذشته نشان داده است که آنان در نهایت خود را با سیاستهای عمومی جهان غرب هماهنگ می سازند. از آنجا که روسیه دارای سیاست جهانی و منطقه ای است، لذا همواره در تنظیم روابط دوجانبه خود با کشورهای همسایه و منطقه، سیاست جهانی خود را هم مدنظر داشته است. (حق شناس، ۱۳۹۰: ۱۲۵). بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و همدردی پوتین با بوش بر عمق ارتباطات شخصی میان رهبران دوکشور افزود. سیاست مشترک آمریکا و روسیه برای مبارزه با تروریسم و دورنمای جایگزینی نفت روسیه بجای نفت اعراب مبنای تحکیم این روابط بود. بازتاب این روابط بر پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران بتدریج آشکار گردید و مقامات روسی مرتبط با طرح نیروگاه بوشهر، زمان تکمیل این نیروگاه را ابتدا سپتامبر ۲۰۰۲، سپس پایان سال ۲۰۰۳، و سرانجام اواخر سال ۲۰۰۴ و یا اوائل سال ۲۰۰۵ و متعاقبا سالهای بعد

بررسی مواضع  
روسیه در قبال  
سیاست خارجی ...  
(۹۵ تا ۱۲۶)

ذکر نمودند که این خود ماهیت ابزاری این پروژه را در تعاملات راهبردی مسکو-واشنگتن نشان می دهد.

#### ۵. استفاده از کارت بازی ایران در جهت امتیاز گیری از غرب در قضیه

**اوکراین:** مناقشه اوکراین و الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه، خود در ورود روسیه به سوریه و همراهی با ایران تأثیر زیادی داشته است. یکی از اقدامات متقابل روسیه در قبال تحریم های غرب استفاده از جمهوری اسلامی ایران است. ایران به سه دلیل می تواند بصورت بازار موثری برای روسیه باشد: اولاً، برخی کالاهایی که در ایران تولید می شود از کیفیت بالایی برخوردارند. ثانیاً، ایران می تواند محصولات خود را از طریق دریای خزر به روسیه صادر کند. ثالثاً، کاهش قابل توجه ارزش پول ایران در مقابل دلار و سایر ارزها برای روسیه. بدنبال فشار تحریم های غرب بر علیه روسیه، در دو حوزه با یاران وارد همکاری شد که به نوعی استفاده از ایران بوده تا هم ایران روی حمایت روسیه از پرونده هسته ای حساب کند و هم روسیه به منافع خود برسد. یکی از این محورهای همکاری بحث توافقات دوکشور پیرامون مبارزه با تروریسم و مواد مخدر، دوم همکاری نظامی دو کشور است. همان تحویل سامانه دفاعی اس ۳۰۰ و در جایی دیگر بحث سامانه پیشرفته تر اس ۴۰۰ به میان آمد که با مخالفت اسرائیل و کشورهای غربی قرار گرفت، اما در تحویل این سامانه نیز روسیه بخوبی سوء استفاده های لازم از ایران نمود. (Debka File, 2015).

#### ۶. به دنبال هدف طولانی شدن بحران هسته ای ایران و دنبال کردن سیاست

**خاکستری:** بکارگیری سیاست تاخیری و به عبارتی بهتر سیاست خاکستری توسط روسها در قبال پرونده هسته ای ایران و تمایل به ادامه داشتن اختلافات لاینحل بین ایران و غرب در حالت کلی و برنامه اتمی ایران بطور خاص، تامین کننده منافع روسهاست و قصد آنها تا حد ممکن طولانی کردن این روند است. دلیلی که روسیه قصد طولانی تر کردن مناقشه هسته ای ایران بوده به این دلیل می باشد که یک ایران هسته ای خطری جدی برای روسیه است، آنچنان که گارانف، با صراحت در تهران اظهار داشت اگر ایران هسته ای شود، مسکو موشک هایش را بسمت تهران نشانه گیری می کند. آنها معتقدند که ممکن است آمریکا با یک ایران هسته ای کنار بیاید و آنچنانکه مسئولان آمریکایی می نویسند یک ایران هسته ای مسئولانه تر



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

عمل می کند و در نتیجه راه برای توافق باز شده و روسیه در مقابل ایران هسته ای تنها بماند. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۵).

۷. **امتیاز گیری از ایران در قبال همکاری در بحران سوریه:** سیاستهای ایران، روسیه و چین در تقابل با برنامه ریزی های غرب با رای منفی و وتوی قطعنامه های غرب در شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط این دو کشور، نمایانگر نوعی جبهه گیری راهبردی در قضیه سوریه بوده است. (جهانبخش، ۱۳۹۴: ۱۹۱). به این نکته باید توجه داشت که گرچه ایران با نگاهی ایدئولوژیک به سوریه بعنوان حکومتی علوی و محور مقاومت می نگرد، اما رویکرد روسیه به بحران سوریه، تا حدی متأثر از تجربه تلخ آن کشور از مداخله ناتو در لیبی است. تعدادی از مقامات روسیه اظهارنظر کرده اند که روسیه دخالت قدرتهای خارجی را در سوریه تحمل نمی کند و مانع از دخالت سازمان ملل و یا سازمانهای دیگر در سوریه به شکل سناریوی مشابه لیبی خواهد شد. (ثقفی عامری، ۱۳۹۰: ۲). گذشته از این عوامل منفی که روسیه در قضیه سوریه داشته را باید مدنظر داشت بدلیل اینکه همکاری روسیه در سوریه بر اساس دیدگاه منفعت محور ی است. و به تحلیل بسیاری از کارشناسان و محققان عرصه اتحاد ما و روسیه در سوریه مقطعی و تابع تصمیمات آمریکاست و همچنین مقطعی است. یکی از این موارد، حفظ تنها پایگاه نظامی طرطوس روسیه در خاورمیانه در شهر لاذقیه روسیه است که در برابر گسترش ناتو به شرق بسیار اهمیت دارد. (جهانبخش، ۱۳۹۳: ۱۲۲). دلیل دیگر اینکه سوریه، نزدیکترین متحد روسیه در میان کشورهای عربی در چهار دهه گذشته از دوران جنگ سرد است، روسیه از مشتریان پروپاقرص تسلیحات روسی است بطوریکه در فاصله سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ بیش از ۴ میلیارد دلار از این کشور سلاح خریده است، شرکتهای روسی بیش از ۲۰ میلیارد دلار در سوریه سرمایه گذاری کرده اند. و بطور کلی انتقال بحران سوریه از فاز حمله نظامی به فرآیندهای مذاکره پذیر و سیاسی همچون آنچه در طرح اخضر ابراهیمی و ورود نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل با استفاده از قطعنامه ۲۰۴۲ شورای امنیت بعنوان نهادی چندجانبه گرا، نقطه مطلوب در زمان مند کردن فروپاشی ناگهانی رژیم اسد و در مرحله بعد توقف فرسایش تدریجی دولت دمشق در سیاست مدیریت بحران سوریه، سیاست کرملین بوده است. (Barkey, 2001: 58).

بررسی مواضع  
روسیه در قبال  
سیاست خارجی ...  
(۹۵ تا ۱۲۶)

از جمله مباحثی است که مزایای بسیاری را برای مذاکره کنندگان روس فراهم کرده است. بطوریکه در جهت افزایش وزن خود در برابر رقبای غربی، موضوع هسته ای ایران را همواره در نشست های خود با آنها (ناتو، گروه هشت و...) مطرح کرده و به چانه زنی و امتیاز گیری از غرب می پردازد. و در باب تصمیم روسیه ای را نمی توان زاید برد که روسیه می توانست با گفتن نه و بکارگیری واژه وتو، برای همیشه پرونده هسته ای ایران را از شورای امنیت بیرون ببرد، اما اینکار را نکرد. (ماهنامه خواندنی، ۱۳۸۷: ۲۷).

#### ۹. مخالفت شدید با پیوستن ایران به کلوپ کشورهای هسته ای و ایجاد

**خطر در کنار مرزهای خود:** با وجود اینکه روسیه در پیگیری سیاستهای حفظ وضع موجود خود در زمینه رژیم کنترل و عدم اشاعه سلاحهای هسته ای دچار یک نوع تنگنای استراتژیک نیز شده بود، بر این اساس بطور موردی و محتاطانه از سیاستهای آمریکا در زمینه کنترل تسلیحات و عدم اشاعه آن حمایت می کند. این مباحث نشان دهنده سیاست عملگرایی روس ها در زمینه کنترل تسلیحات خلع سلاح و عدم اشاعه می باشد. (Zagorski, 2002: 328). و اینکه ایران دارای سلاح هسته ای خطری برای تهییج و بنیادگرایی مذهبی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز باشد.

#### ۱۰. حل و فصل قضیه هسته ای از روش مسالمت آمیز: علی رغم همه

مباحث و مواردی که اشاره کردیم، روسیه در کل خواهان حل مسالمت آمیز بحران هسته ای ایران بوده و به هیچ وجه خواهان روشهای سخت و نظامی نبوده است.

#### مواضع سیاست خارجی روسیه در مورد برجام و دوران پسا برجام

هدف اصلی روسیه از حمایت برنامه هسته ای ایران این است که نمی خواهد بازار پرسود و منفعت ایران را که جای خالی آمریکا نیز در آن وجود دارد را از دست بدهد. روسیه در مورد برنامه هسته ای بدنبال منافع خویش بوده و اینگونه نیست که تحت هر شرایطی از ایران حمایت کند. نکته اینجاست که روسیه حاضر نیست یک ایران هسته ای قدرتمند را در کنار مرزهای خود و همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی بپذیرد. (جعفری و میرجلالی، ۱۳۸۹: ۱۷۴). اصل اساسی برای این کشور منافع است و فشارهای آمریکا در درجه دوم اهمیت قرار دارد. چنانکه در بستن قرارداد هسته ای یا برجام با وجود فشارها و مخالفتهای آمریکا،



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵



روسیه بدلیل منافع اقتصادی زیاد این طرح آن را قبول کرد. آن اصل مهمی که روسیه سعی کرده است در این سالهای اخیر عمل کند بدین صورت است: ((در سیاست دوست و دشمن واقعی وجود ندارد، آنچه هست منافع کشورهاست.)) روسیه بخوبی توانسته است از این اصل برای امتیاز گیری از آمریکا و ایران استفاده کند.

بنظر می رسد شرایط سیاسی موجود برای هر دو کشور زمینه مساعدی را برای توسعه همکاری ها و تعامل میان آنها فراهم کرده است. برجام بسیاری از موانع حقوقی را برای همکاری کشورهای خارجی با ایران از میان برداشته است. از طرفی سیاست خارجی مستقل ایران و خط مشی رئیس جمهور وقت ایران برای تعامل سازنده با جهان مانع از یک جانبه گرایی ایران بسوی غرب خواهد شد. ضمن آنکه ایران منافع خود را در شرق و همکاری با قدرتهای شرقی از جمله روسیه نادیده خواهد گرفت. روسیه اکنون در شرایط تحریم قرار دارد و گام چرخش به شرق را برای کاستن از عواقب و پیامد تحریم های اقتصادی غرب برداشته است که بر جهت گیری کلی سیاست خارجی این کشور سایه افکند و در جهت افزایش همکاری های ایران و روسیه تاثیر خواهد داشت که نمونه آن حضور روسیه در کنار ایران در سوریه می باشد. (کرمی، کرامتی نیا، ۱۳۹۵: ۶۷). ولادیمیر پوتین در ۱۴ جولای ۲۰۱۵، پس از امضای توافق برجام، ضمن ابراز خرسندی از توافق جامع هسته ای ایران و ۵+۱ و استقبال روسیه از توافق بدست آمده اظهار داشت، امروز جهان نفس راحتی کشید. وی ضمن اشاره به سهم بزرگ کارشناسی تیم مذاکره کننده روسی در تدارک این توافق وجود اراده سیاسی در میان ۵+۱ و ایران به پیدایی انگیزه های قوی جدید در روابط دو جانبه با ایران، فارغ از تاثیر عوامل خارجی اشاره نمود. از جمله نکات مهم درباره دیدگاه های روسیه نسبت به توافق هسته ای شامل این موارد است: ۱. سازگاری با سیاست خارجی روسیه ۲. تقویت رژیم منع گسترش که باعث ثبات و امنیت در خاورمیانه، شمال آفریقا و خلیج فارس خواهد شد. ۳. تاثیر مثبت در مناسبات تهران - مسکو و روابط دو طرفه این دو کشور خواهد داشت. ۴. گشودن فرصت های جدید برای حل و فصل از دیگر مشکلات و درگیری های موجود در منطقه. ۵. رفع موانع در راه تشکیل ائتلافی گسترده برای مبارزه با داعش و دیگر گروههای تروریستی.

لذا می توان بطور کلی جهت گیری روسیه در سطح مظری بر مبنای اظهارات

مقامات دولتی روسیه نسبت به برجام مثبت بوده است. اما بررسی دقیق تر این موضوع اقدام عملی مقامات این کشور در پسا برجام در راستای تقویت همکاری و تعامل با ایران در سطوح دو جانبه و چندجانبه و گام های اعتمادساز اهمیت دارد. اقداماتی که روسیه در دوران پسا برجام انجام داده نیز موید این ادعاست که روابط و مناسبات دو کشور در قبال ایران بیشتر شده است. تحویل کامل سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ به ایران، تخصیص اعتبارات چند میلیاردی به ایران، حمایت از عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای (که هنوز تحقق نیافته است)، تقویت تعامل منطقه ای بخصوص در مسئله سوریه و مبارزه با تروریسم، سفر پوتین، رئیس جمهور و عالی ترین مقام روسیه به ایران و... از جمله اقداماتی هستند که گویای چگونگی جهت گیری روسیه به برجام می باشند. بطور کلی روسیه بمنظور حفظ جایگاه و منافع اقتصادی و سیاسی خود هم در ایران و هم در عرصه های منطقه ای و جهانی با رویکردی عملگرایانه و محتاطانه همکاری های دو جانبه و چند جانبه با ایران را در ابعاد گوناگون توسعه داده است. توافق هسته ای ایران و گروه ۵+۱ و اجرای برجام با رفع موانع حقوقی تحریم ها، سیاست مستقل در اجرای اهداف سیاست خارجی خود که مانع از یکجانبه گرایی به سمت غرب در پسا برجام خواهد شد، تاکید رهبری ایران برای مذاکره با آمریکا فقط در موضوع هسته ای، سیاست خارجی دولت ایران مبنی بر تعامل سازنده با جهان، تهدید ها و منافع مشترک با روسیه در مسائل منطقه ای و بین المللی، تنش های روسیه با غرب در گسترش ناتو و بحران کریمه، اختلاف مواضع روسیه با غرب در قضیه سوریه و بشار اسد، تحریم های اقتصادی علیه خودش و اقدامات تلافی جویانه روسیه و... زمینه مساعدی برای بهبود سطح همکاری های روسیه و ایران در دوران پسا برجام فراهم آورده است. (کریمی کرامتی، ۱۳۹۵:۹۲).

گفتنی است در کنار تمامی موارد مذکور که بیانگر جهت گیری مثبت روسیه به برجام و پسا برجام و اهمیت توسعه روابط روسیه با ایران است به دلیل عدم تغییر اولویت های منطقه ای سیاست خارجی روسیه و وجود برخی موانع سیاسی و اقتصادی نامبرده، بعید است در آینده روابط دو کشور در تمامی ابعاد به سطح همکاری های راهبردی ارتقاء یابد. اما در همه این موارد، با توجه به تاریخ گذشته از زمان شروع بحران هسته ای ایران تا حصول برجام، روسیه تماما گام به گام در جهت منافع خود عمل کرده است. فضای پسابرجام نیز حاکی از این است که در



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

نبود رقبای غربی و آمریکا، روسیه بدلیل شرایط ژئوپلیتیکی و مناسبات منطقه ای و فرهنگی با ایران و جدا ماندن از قافله غرب بدلیل تحریم های اوکراین، بازاری عالی جهت فروش تسلیحات نظامی خود، سرمایه گذاری جهت ایجاد و ارتقای نیروگاه های اتمی در ایران و... شروع کرده است که در جهت منافع خود در چارچوب نظریه نوواقع گرایانه روابط بین الملل است.

## نتیجه

منافع کشورها در عرصه بین الملل ایجاب می کند که با چه کشورهایی و در چه سطوحی ارتباط داشته باشند. در این میان کشور روسیه که با سابقه طولانی در استثمار و استعمار و غارت سرزمین و ثروت ایران اکنون در بحث برنامه صلح آمیز هسته ای، تا حدودی در اواخر راه همکاری هایی بر اساس شرایط ایجاد شده و تبعیت از غرب، در به سرانجام رسیدن توافق برجام داشت را بایستی به پای تامین منافع خودش نهاد. روسیه همیشه همسایه ژئوپلیتیک و استراتژیک ما بوده است اما بعد از تحریم های غربی علیه بلندپروازی های روسیه در اوکراین و الحاق شبه جزیره کریمه، و نیاز به جایگزینی برای دور زدن تحریم ها، ناچارا به سمت ایران آمده و به عبارت بهتر با کارت ایران بازی را به سمت تامین منافع خود پیش برد. روسیه با فروش تسلیحات نظامی خود مانند سامانه اس ۳۰۰، همکاری مقطعی با ایران در قضیه بحران سوریه، تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر که از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون معلق مانده بود و هر روز به هر بهانه ای آن را به تعلیق می انداخت، و بسیاری موارد دیگر نشان از این دارد که روسیه هنگامی که غرب و آمریکا را در کنار خود نمی بیند، به سمت ایرانی می شتابد که باز هم از ترس آن است که ایران در قضیه هسته ای بیش از پیش به آمریکا و غرب نزدیک شود که در آنصورت روسیه متحمل شکست بزرگی شده است و اگر نه در جریان تحریم های ششگانه شورای امنیت، روسیه و چین هر شش قطعنامه را با رای مثبت امضاء کردند. سیاست روسیه در قبال پرونده هسته ای ایران متأثر از عواملی مهم بوده است: تردید نسبت به اهداف ایران، تلاش برای تامین منافع اقتصادی خود و تلاش برای مشارکت در مدیریت بحران. اما کشور روسیه توانست از ابتدای بحث برنامه هسته ای ایران تا توافق ۵+۱ با ایران و شکل گیری برجام، با استفاده از یک سری

بررسی مواضع  
روسیه در قبال  
سیاست خارجی ...  
(۹۵ تا ۱۲۶)

سازوکارها، در واقع مواضع و دیدگاهها و جهت گیری های خاصی داشته باشد. روسیه با نگاه ابزاری و منفعت محور در سیاست خارجی اش نسبت به ایران سیاست عمل گرایی مبتنی بر فرصت طلبی راهبردی موضع خاکستری در قبال پرونده هسته ای همگامی با غرب و رای مثبت به قطعنامه های شش گانه شورای امنیت مخالفت شدید با پیوستن ایران به کشورهای عضو کلوپ هسته ای و تهدید علیه مسلمانان آسیای مرکزی استفاده از کارت ایران جهت بازی و گرفتن امتیاز از غرب در قبال بحران اوکراین و تحریم های صادره علیه روسیه و مطرح نمودن خود بعنوان بازیگر مهم و تصمیم گیر در خاورمیانه، طولانی کردن پرونده هسته ای و فروش تسلیحات نظامی خود به ایران در واقع بهترین استفاده را از این قضیه برده است. در مجموع آنچه برای روسیه در جریان پرونده هسته ای ایران حائز اهمیت بوده است، این است که نه جمهوری اسلامی به آن اندازه قدرت پیدا کند که برای روسیه در جنوب مرزهایش مشکل ایجاد کند و نه آنقدر ضعیف شده که در رابطه با غرب برای روس ها تهدید ایجاد کند و قدرتهای غربی با نقش آفرینی، منافع روسیه را تهدید نمایند. و به نوعی روسیه در هر صورت به منافع خود رسیده است. اما نکته ای مهم که بایستی نظر داشت این است که در عرصه بین المللی سیاستمداران ما بایستی با در نظر گرفتن منافع ملی ایران پا به این عرصه بگذارند و بدانند از روسیه فقط جهت تامین منافع ملی کشور خود باید بهره برد و غرب و شرق را به طور یکسان نگه داشت تا بتوان بطور متوازن منافع ملی خود را به پیش ببریم. و اینکه روسیه در تمام موضع گیری هایش بعد از انقلاب اسلامی در قبال ایران، تابعی از حفظ و تامین منافع خود، و تبعیت از غرب بعنوان تصمیم گیرنده در قضایای مختلف بوده است. ولی ما در جهت گیری های سیاست خارجی خود در برهه هایی از زمان غرب را از دست دادیم و به دامان شرقی پناه آوردیم که این شرق خود دنباله روی سیاست های غرب بوده است. کما اینکه در دوران تحریم های شورای امنیت علیه ایران که روسیه نیز در تصویب آن دخیل بود، با دور زدن تحریم ها سود هنگفتی به جیب همین روسیه و هند و چین انتقال دادیم و نتوانستیم به خواسته های خود برسیم. اکنون و در این شرایط ایران می تواند در حالی با روسیه کار می کند، به روسیه نشان دهد که در دوران رقابتی کنونی، ایران قادر است قاعده بازی را تغییر دهد و به سمتی برود که روابط جدیدی را با سایر کشورها از جمله هند، ژاپن، اتحادیه اروپا و حتی آمریکا برقرار نماید.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

## منابع

- اجاقلو، نسیم الله، ۱۳۸۵، شورای امنیت آخرین ایستگاه پرونده هسته ای ایران، تهران: ناشر مولف، چاپ اول.
- اطاعت، جواد، ۱۳۷۶، ژئوپولیتیک و سیاست خارجی ایران، تهران: نشر سفیر.
- امیراحمدیان، بهرام، گودرزی، مهناز، ۱۳۸۹، دریای خزر (منافع روسیه و امنیت ایران) تهران: قومس.
- پرونده ۱۳ ساله هسته ای چگونه بسته شد، ۱۳۹۴، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، <http://www.irna.ir/fa/News/81923311>
- پرونده هسته ای ایران، روندها و نظرها، ۱۳۸۶، تهران: ابرار معاصر.
- پوراحمدی، حسین، ۱۳۸۸، دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- پوراحمدی، حسین، خوشکار، امیر عباسی، ۱۳۹۱، مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره اول.
- ثقفی عامری، ناصر، ۱۳۷۹، سیاست امنیتی روسیه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، دوره سوم، شماره ۳۱.
- جعفری، علی اکبر، تقی نژاد، روح الله، ۱۳۹۱، بایسته های روابط آینده ایران و روسیه از الزامات فناوری پایه تا اقتضائات انرژی محور، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۰.
- جعفری، علی اکبر، میرجلالی، رویا، ۱۳۸۱، مولفه های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته ای با ایران، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵۱.
- جلالی، رضا، ۱۳۹۱، از تنش زدایی تا سیاست های ماجراجویانه - بررسی سیاست خارجی دولت نهم و دهم و بازتاب آن در نظام بین الملل.
- جهانبخش، محدثی، ۱۳۹۳، سیاست امنیتی فدارسیون روسیه در قبال افغانستان ۲۰۰۱-۲۰۱۴، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات اوراسیا، دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه.
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۷۳، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت.
- حق شناس، محمدرضا، ۱۳۹۰، روابط روسیه با آمریکا و رویکرد آن کشور در

برابر برنامه صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۴.

- خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، اصغری ثانی، حسین، صیادی، هادی، ۱۳۹۳، ژنوم های ژئوپلیتیک تاثیرگذار بر کدهای رفتاری در سیاست خارجی ایران و روسیه، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره اول.
- رضازاده، سخاوت، ۱۳۸۴، ریشه های همگرایی و واگرایی در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و روسیه، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۲.
- روزنامه آفتاب یزد، ۱۳۸۵، شماره ۱۹۷۴، صفحه ۲.
- سجاپور، محمدکاظم، ۱۳۷۴، گسستگی هویت در جمهوری های بازمانده از شوروی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹.
- شیرازی، حبیب اله، ۱۳۹۴، کالبدشکافی مذاکره هسته ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱. علوم سیاسی، شماره ۳۰.
- عباسی اشلقی، مجید، ۱۳۸۶، سیاست سلاح های هسته ای آمریکا بر اساس دکترین بوش، پژوهشنامه تروریسم و امنیت بین الملل، شماره ۱.
- غیور، امین، ۱۳۹۳، عوامل بین المللی همگرایی ایران و روسیه و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- فلاحی، سارا، ۱۳۸۶، بررسی مقایسه ای دیپلماسی هسته ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد تا پایان قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۶.
- فولر، گراهام، ۱۳۷۵، قبله عالم، ژئوپولیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- کرمی، جلال، ۱۳۸۹، سیاست خارجی هجومی روسیه و موازنه استراتژیک اروپایی، فصلنامه سیاست، شماره ۴۰.
- کرمی، جهانگیر، ۱۳۸۸، روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری ها)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- کرمی، جهانگیر، کرامتی نیا، رقیه، ۱۳۹۵، سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته ای ایران از تحریم تا برجام، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۵.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

- کولایی، الهه، ۱۳۸۳، علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- کولایی، الهه، ۱۳۸۵، روابط ایران و روسیه، تداوم یا تغییر، ایراس، موسسه مطالعاتی روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱.
- کولایی، الهه، ۱۳۹۳، سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، چاپ دوم، تهران: سمت.
- کیانی، داوود، ۱۳۸۷، آسیب شناسی روابط ایران و روسیه، تهران: انتشارات ایراس، وابسته به موسسه فرهنگی مطالعاتی روسیه آسیای مرکزی و قفقاز.
- ماهنامه اقتصاد ایران، ۱۳۸۶، گزینه های اروپا و آمریکا برای تامین انرژی توافق با ایران یا روسیه، شماره ۹۰.
- ماهنامه خواندنی، ۱۳۸۷، حرکت خزنده روسیه در خلیج فارس و آن سوتر، تهران، شماره ۵۰، سال ششم.
- متقی، ابراهیم، پوستین چی، زهره، مجردی، سعید، دیانت مقدم، امیر، ۱۳۹۳، عمل گرایی راهبردی در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره ۱۲؛ شماره ۴۶.
- مجتهد زاده، پیروز، رشیدی نژاد، احمد، ۱۳۹۰، تحلیل ژئوپولیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران (۲۰۰۰-۲۰۰۸)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره دوم.
- مهاجرنیا، محسن، ۱۳۸۳، ایران و دیپلماسی هسته ای، پگاه حوزه، شماره ۱۴۲.
- نوروزی، نورمحمد، رومی، فرشاد، ۱۳۹۳، چشم انداز روسی به روابط ایران و روسیه (۱۳۸۴-۱۳۹۲)، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال سوم، شماره ۳.

بررسی مواضع  
روسیه در قبال  
سیاست خارجی ...  
(۹۵ تا ۱۲۶)

- Kenneth Waltz, *Theory of international politics*, (New York: Random house, 1979), p. 88
- Kenneth Waltz, "Structural realism after the Cold Ward", *International security*, Vol. 25, No. 1, 2000, p. 28.
- "The foreign policy concept of the Russian federation", 2003, Available at: <http://archive.kremlin.ru>.
- Marcel de Haas, "Medvedevs security policy: A provisional assessment", Available at: <http://www.mydomainwebhost.com>, 2009.
- Federal state ststics service. 2015, population ,Available from <http://www>.

gks. ru/bgd/regl/b14\_12/Iss www. exe/stg/d01/0501. htm. accessed on 15 jannary 2015.

- Ree, w, and Aldrich, R, 2005, contending of counterterrorism: Transtlantic Divergence, International Affairs, volm81, no5.
- Anders T Aslund, 2005, Putin and Americans Response. carnegie policy Brief41.
- Zagorski, Andvei, 2002, Russian pre spectives on they world and WMD proliferation, London: frank cass.
- Debka File (2015), "Sophisticated Russian S-400 missiles for Iran under new military pact, S-300s for Egypt, Syria, Hezbollah", Available from <http://www. debka. com/article/24354/Sophisticated-Russian-S-400-missiles-for-Iran-under-new-military-pact-S-300s-for-Egypt-Syria-Hizballah->. Accessed on 22 January 2015.
- Brzezinski, Z. (2008). Putin's choice. In Global Powers in the 21st Century: Strategies and Relations, Alexander T. J. Lennon and Amanda Kozlowski (eds. ) Cambridge: the MIT press, pp. 175-200.
- Sokov, N. (2010). Missile defense: towards practical cooperation with Russia. Survival, August-September, 52 (4), pp. 121-130.
- Harvey, C. & Sabatini, R. (2010). Russia's lukewarm support for international sanctions against Iran: history and motivations. Building a Safer World (NTI), Available at: <http://www. nti. org/analysis/articles/russias-support-sanctions-against-iran> (Accessed on: 29 /8/ 2012).
- Baidatz, Y (July 2001), "Bashar's First Year: From Ophthalmology to a National Vision", The Washington Institute for Near East Policy, *Policy Focus*, No 41.
- Henri Barkey, *Turkey and the Arab spring*, (Carnegie endowment for international peace, 2001), p. 58.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سیپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵